

تحلیل سبک شناسانه دیوان مطلع مازندرانی با تکیه بر سه لایه زبانی، بیانی و فکری

- لاله قربانی مرزدشتی^۱، نصرالله زیرک گوشلوندانی^{۲*}، شهریار حسن زاده^۳، زهره سرمد^۴، ابوالفضل مرادی رستا^۵
- ۱- گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد خلخال، دانشگاه آزاد اسلامی، خلخال، ایران.
- ۲- گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران.
- ۳- گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد خوی، دانشگاه آزاد اسلامی، خوی، ایران.
- ۴- گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
- ۵- گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.

سال هفدهم، شماره ششم، شهریور ۱۴۰۳، شماره پی در پی ۱۰۰، صص ۲۷۷-۲۵۵
DOI: <http://10.22034/bahareadab.2024.17.7477>

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه و هدف: بررسی محتوا و ساختار نسخه‌های خطی می‌تواند کمک مؤثری به شناخت سبک هر دوره و عوامل تأثیرگذار بر آن و همچنین ترویج دستاوردهای علمی و فرهنگی اعصار گوناگون داشته باشد. هدف از انجام این پژوهش، تحلیل سبکی و محتوایی دیوان مطلع مازندرانی از سه منظر فکری، زبانی و ادبی است.

روش پژوهش: پژوهش حاضر بر اساس روش اسنادی توصیفی (تحلیل زبان) و با ابزار کتابخانه-ای انجام شده که محدوده و جامعه مطالعه آن، نسخه خطی «دیوان اشعار مطلع مازندرانی» موجود در کتابخانه مجلس است که از قرن سیزدهم به یادگار مانده است. روش کار بر اساس نظریه‌های سبک‌شناسی معاصر بویژه آنچه در کتاب سبک‌شناسی سیروس شمیسا درباره سطح زبانی آمده، اجرا شده است.

یافته‌ها: مطلع مازندرانی از شاعران، عارفان، متکلمان، فقها و دانشمندان گمنام قرن سیزده هجری قمری است و نسخه خطی به جامانده از وی در روزگار قاجاریه، درحقیقت، میراثی ارزشمند و گوهری گرانبها و مکتوب از آن دوره است که نه تنها با زبان شعر بویژه در قصاید بخشی از گفتمان اندیشگانی، دینی و رویدادهای آن دوره را بیان کرده است، در شعر او انواع سبکها و شیوه‌های شعری دیده میشود، از غزل و قصیده گرفته تا قطعه و ترجیع بند؛ طبع خود را آزموده است و دیوانش تقریباً پنج هزار بیت است.

نتیجه‌گیری: شیوه و طرز شعر مطلع مازندرانی، تقریباً همان شیوه شاعران بازگشت است که در قصیده تأثیرپذیریش از خاقانی شروانی و در غزل هم از غزلسرایان قرن هفتم و هشتم آشکار است. تأثیر مصنوع سریان در قصایدش که آراسته به آیات، احادیث، لغات فقهی، کلامی، عرفانی و ... اطناب و کاربرد مترادفها و واژگان عربی به وضوح دیده میشود.

تاریخ دریافت: ۱۶ آبان ۱۴۰۲
تاریخ داوری: ۱۷ آذر ۱۴۰۲
تاریخ اصلاح: ۱۲ دی ۱۴۰۲
تاریخ پذیرش: ۱۸ بهمن ۱۴۰۲

کلمات کلیدی:

مطلع مازندرانی، سبک شناسی، سطح زبانی، سطح بیانی، سطح فکری.

* نویسنده مسئول:

✉ zirak@iaurasht.ac.ir

☎ ۰۲۱-۳۳۴۲۳۳۰۸ (۱۳۹۸)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Stylistic analysis of Mattlae Mazandarani's Diwan Relying on three layers of language, expression and thought

L. Ghorbani Marzdashti¹, N. Zirak Goshlondani^{*2}, Sh. Hassanzadeh³, Z. Sarmad⁴, Abolfazl Moradi Rasta⁵

1- Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Khalkhal Branch, Islamic Azad University, Khalkhal, Iran.

2- Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Rasht Branch, Islamic Azad University, Rasht, Iran.

3- Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Khoi Branch, Islamic Azad University, Khoi, Iran.

4- Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Yadgar Imam Khomeini (Rah) Shahrari Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

5- Department of Persian Language and Literature, Farhangian University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 06 November 2023

Reviewed: 08 December 2023

Revised: 02 January 2024

Accepted: 07 February 2024

KEYWORDS

Manuscript, Mazandarani's mattlae, Stylistics, Linguistic levellaye, Expression layer, Intellectual level.

*Corresponding Author

✉ zirak@iaurasht.ac.ir

☎ (+98 13) 33423308

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: Examining the content and structure of manuscripts can effectively help to understand the style of each period and the factors influencing it, as well as promote the scientific and cultural achievements of different eras. The purpose of this research is to analyze the style and content of Mazandarani's Divan Taherir from three intellectual, linguistic and literary perspectives.

METHODOLOGY: This article is based on library studies and has been done in a descriptive-analytical way, and the scope of the study is Mazandarani Divan.

FINDINGS: Mazandarani is knowledgeable about unknown poets, mystics, theologians, jurists and scientists of the 13th century AH, and a manuscript left by him during the Qajar period is, in fact, a valuable heritage and a precious and written gem. It is a period that not only expressed a part of the intellectual and religious discourse and events of that period with the language of poetry, especially in odes, various styles and styles of poetry can be seen in his poetry, taken from sonnets and odes. Up to the piece and the preference of the clause; He has tested his character and his poetry is almost five thousand verses.

CONCLUSION: Mazandarani's mattlae of poetry is almost the same as that of the return poets, which is evident in his odes from Khaqani Sharvani and in his sonnets from 7th and 8th century sonnet writers. The effect of the Syrian artifice in his poems, which are decorated with verses, hadiths, jurisprudential, theological, mystical words, etc., and the use of synonyms and Arabic words; It is clearly seen.

DOI: <http://10.22034/bahareadab.2024.17.7477>

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 18	 3	 2

مقدمه

یکی از آثار سروده شده در عصر قاجاریه که تاکنون چون عروسی پرده‌نشین چهره از همه پوشانده بود و رخ ننموده بود، دیوان مطلع مازندرانی است، متأسفانه، این دیوان تاکنون تصحیح نشده و از سراینده آن مطلع مازندرانی هم در هیچ نوشته ادبی سخنی دیده نشده است. دیوان «مطلع مازندرانی» یکی از دواوین شعری عصر قاجاریه است که در مقایسه با دیگر آثار این دوره که چاپ و منتشر شده‌اند، برجستگیهای ویژه دارد و برخلاف دیگر مجموعه‌های شعری این دوره که بیشتر تقلیدی و متأثر از گذشتگان است؛ با تلفیق سنت غزل سرایی و قصیده‌سرایی شعر فارسی و معاصرگرایی طرحی نو دراندازد و از دیگر هم‌روزگاران متمایز شود.

این نسخه خطی به جامانده از روزگار قاجاریه، در حقیقت، میراثی ارزشمند و گوهری گرانبها و مکتوب از آن دوره است که نه تنها با زبان شعر بویژه در قصاید بخشی از گفتمان اندیشگانی، دینی و رویدادهای آن دوره را بویژه در قصاید، بیان کرده است بلکه ویژگیها، مشخصات، شرایط، ارزش و اعتبار خاص خود را دارند. مهجورماندن و فقدان دسترسی به این آثار ارزشمند که سالها در لابه‌لای اوراق تاریخ گمنام مانده‌اند، ما را از بسیاری اطلاعات مفید محروم کرده‌اند. بنابراین تصحیح نسخ خطی، راهی برای دستیابی به اطلاعات سودمند گذشته‌ای دور و نزدیکی است که دسترسی به آنها ناممکن بوده است.

اهمیت پژوهش حاضر در این است که پژوهشگران، محققان و دوستداران شعر و ادب فارسی، حداقل با مطلع مازندرانی، شاعر متکلم و فیلسوف شیعه قرن سیزدهم هجری قمری و دیوان اشعارش آشنا میشوند که تصحیح و چاپ آن میتواند اطلاعات بسیاری را درباره جریانهای فکری، دینی و اتفاقات ناگوار سیاسی و طبیعی آن روزگار ارایه کند.

مطلع مازندرانی از شاعران، عارفان، متکلمان، فقها و دانشمندان گمنام قرن سیزده هجری قمری است. وی اهل روستای نشیل آمل مازندران بود و به گواهی اشعارش در روزگار قاجاریه در دوره فتحعلیشاه میزیست. در هیچکدام از تذکرها و تواریخ ادبی نامی از او و آثارش دیده نشده است. آنچه درباره زندگی و اثرش در اینجا بیان میشود، مجموعه اطلاعاتی است که از لابه‌لای ابیات شعرش به دست آمده است:

ز دسته دسته گلهای شერთ ای مطلع تمام خطه مازندران کلستان است
(دیوان مطلع: ۵)

اگر چه در اشعارش به بسیاری از رویدادها و اتفاقات سیاسی و اجتماعی ایران روزگارش بویژه اتفاقات میان ایران و روس مانند قتل ایلچی روس، قیام بابیه، موضوع وبای ری و بیماری همه‌گیر طاعون اشاراتی دارد، اما هیچ سندی بر وابستگی وی به وزیر، امیر و درباری مشاهده نشده است. این وقایع و رویدادها را در اشعارش به گونه‌ای بیان میدهد که گویی خود شاهد آنهاست و آنها را از نزدیک دیده و لمس کرده است. بنابراین شائبه وجود ندارد که وی در همین روزگار زندگی میکرد و میتوان با اطمینان بیان کرد که مطلع مازندرانی از شاعران دوره قاجاریه است.

از تیشه ستیزه طاعون جان گسل زیر و زیر شد است بناهای روزگار
بر خاک تیره بس بسپردند آدمی شد گور تنگ بر همه موتای روزگار
ریزان چو برگ گاه خزان آدمی ز وی نگذاشت اسم و رسم ز احیای روزگار
(همان: ۱۰۷)

واژه «مطلع» ضمن اینکه در گوشه سمت چپ نسخه خطی دیوان خودنمایی میکند، در آخر یا اواخر ابیات غزل و قصیده با لحنی خطابی و تأکیدی تکرار میشود، که این، گمان را بر اینکه تخلص وی «مطلع» بوده، تأیید مینماید:

بدیده مطلع شیدا بسی نکار ولی ندیده مثل تو مه‌روی سروبالا را
(همان: ۱)
مطلع براه عشق دوان گوید این مدام یاران کجا جنون که دمی همدمی کند
(همان: ۱۳)
از نگاه دوست خرسندم بعالم مطلع شاد از وصل و غمین از درد هجران نیستم
(همان: ۴۵)

و چون همانطور که پیش از این گفته شد، اهل روستایی از مازندران بوده، به مطلع مازندرانی شهرت یافته است و دیوانش را دیوان مطلع مازندرانی میخوانند؛ بیش از این، آگاهی بیشتری از اسمش به دست نیامد. دیوان اشعارش با خط نستعلیق زیبایی نوشته شده است که به گمان نزدیک به یقین خط خود شاعر است و این نشان میدهد که شاعر خط خوشی هم داشت. مطلع مازندرانی اشعارش در قالبهای غزل، قصیده، رباعی، ترکیب‌بند و ترجیع‌بند سروده است و تقریباً پنج هزار وسیصد بیت است. بخشی از ابیات این دیوان متأسفانه، به علت رطوبت گرفتگی محو و ناخوانا شده‌است، این ناخوانایی و محوشدگی چندان نیست که شاعری وی را به محاق بکشد. به لحاظ فکری بویژه در قصاید، با شاعری شیعه و پرحرارت روبه‌رو هستیم که قصاید غراً و چشمگیری را در نعت حضرت رسول(ص) و رثا و فضایل حضرت علی و دیگر ائمه اطهار(ع) سروده‌است. استفاده از واژگان فلسفی، کلامی، فقهی و عرفانی نشان از دانش و آگاهی وی در این حوزه است. همچنین توجه‌اش به برخی از مسائل سیاسی حکایت از نگاه نقادانه او به اوضاع اجتماعی و سیاسی دارد. تلمیحات اشعارش بیشتر سامی است و استفاده از اسطوره‌های ملی شاهنامه حکایت از شناخت و مطالعه شاهنامه دارد. نویسندگان این مقاله بر آن هستند تا ضمن شناساندن مطلع مازندرانی، دیوانش را از منظر سبک‌شناسی و لایه‌های زبانی، بیانی و فکری بررسی کنند.

پیشینه تحقیق

هریک از نسخ برجای مانده در ادبیات فارسی، نشانه بخشی از میراث ارزشمند گذشتگان ماست که احیای این متون بر محققان این حیطه واجب است. درباره مطلع مازندرانی و دیوان شعرش که تاکنون تصحیح و چاپ نشده، هیچ نوشته و مقاله‌ای انجام نشده است. نسخه دیوان او بصورت چاپی در دست نیست و با توجه به اینکه تاکنون درجهت معرفی کامل دیوان این شاعر، پژوهشی انجام نشده است، این پژوهش میتواند درجهت شناخت شاعر نیز مفید واقع شود.

بحث و بررسی

معرفی دیوان مطلع مازندرانی

دیوان مطلع مازندرانی با شماره بازیابی ۱۴۰۸۸، در کتابخانه مجلس به شماره IR ۱۹۸ به ثبت رسیده است. نام کاتب دیوان، به نام خود شاعر ثبت شده‌است. این دیوان ۲۳۱ صفحه و تقریباً ۵۳۰۰ بیت است. قالبهای شعری این دیوان شامل غزل، قصیده، قطعه، رباعی، ترکیب‌بند و ترجیع‌بند است. اشعار این دیوان نشان میدهد که سراینده آن یک شخص بوده است زیرا فضای زبانی و فکری مشترکی را شامل میشود. در سمت راست بالای مقدمه‌ای که در صفحه دوم این کتاب به قلم شخص ناشناسی نوشته شده، عنوان «نسخه بی‌نظیر و منحصر به فرد» قرار دارد. پس از آن در بخش پایینتر، در وسط صفحه، عبارت «دیوان اشعار مطلع به

خط خود شاعر» دیده میشود. در ادامه این نویسنده ناشناس مینوسد: «در هیچ تذکره و فهرست به نام و ترجمه حال یا نمونه آثارش بر نخوردم» (ر.ک به مقدمه نسخه خطی). نویسنده در ادامه قضاوتش درباره شعر مطلع مینویسد که «از فحوای اشعارش بر میاید که از فضل و کمال بی بهره نبوده، البته نمیتوان جزء شعرای درجه یک آن عصر و همسنگ صبا و نشاط آورد و دانست» (همان) وی دلیل آن را در «غث و ثمینی» که در اشعارش وجود دارد، میداند.

وی در ادامه مینویسد که «تعداد ابیات دیوان را بتحقیق نمیتوان معین کرد چون سطور متن {را} صفحات مختلف و متغیر است. بعضی صفحات ۹ است و بعضی ۱۴ و ۱۰ بیت و اشعار حواشی صفحات نیز همینطور است و با تخمین و تقریب در حدود پنج هزار و چندصد از متن و حواشی میشود تعداد صفحات ۲۳۱ میباشد.» (همان). تقریباً در تمام صفحات حاشیه نویسی شده و بسیاری از ابیات در حاشیه های بالا، پایین، سمت چپ و راست نوشته شده است؛ گفتنی است که نوشته های حاشیه ها در واقع، بخشی از متن دیوان و ادامه اشعار است. شاعر در حاشیه صفحات هیچ به تزیین و آرایش صفحات نمیپردازد.

ویژگیهای سبکی دیوان مطلع مازندرانی

در این بخش اشعار در سه سطح زبانی، ادبی و فکری مورد بررسی قرار میگیرند.

مطالعه سبک شناختی سطح زبانی

در سبک شناسی دوره قاجار معمولاً میزان بهره مندی اثر از زبان عامیانه، تعداد واژه های عربی، فارسی و فرنگی، شیوه استفاده از لغات عربی ثقیل، تجلیات تمدنی و فرهنگی مختلف، ظهور احوالات اجتماعی و سیاسی و بینش انتقادی مؤلفان و سرایندگان و همچنین مختصات زبانی بررسی میشود و نمیتوان این عناصر را نادیده گرفت که نظم و نثر دوره قاجار، پایه و اساس شعر و نثر فارسی امروزی است.

در این پژوهش زبانی سه سطح آوایی، واژگانی و نحوی با توجه به لایه های مختلف ایدئولوژیکی آنها بررسی میشود. در این بررسی، «شاخصهای زبانی نشانه داری که به نوعی با لایه های ایدئولوژیکی نویسنده ارتباط پیدا میکند و نشان دهنده ذهن شاعر هستند، تحلیل خواهد شد؛ زیرا عناصر زبانی، شناسنامه دارترین عناصر سازنده متن هستند و مانند انسان، زنده و پویا. سطح زبان مقوله ای مهم و گسترده است که به سه سطح کوچکتر آوایی، لغوی و نحوی تقسیم میشود» (شمیسا، ۱۳۷۳، ص ۲۷۲).

سطح آوایی (موسیقایی): به سطح آوایی، سطح موسیقایی متن نیز گفته میشود؛ زیرا در این مرحله متن را به لحاظ ابزار موسیقی بررسی میکنند. موسیقی بیرونی (کناری) از بررسی وزن و قافیه و ردیف به دست میآید. موسیقی درونی متن با تبیین صنایع بدیعی لفظی از قبیل انواع سجع، جناس، تکرار، همحروفی (همصدایی) به وجود میآید (همان: ۲۱۶). لازم به ذکر است که این مقاله در سطح آوایی بیشتر به رسم الخط توجه دارد.

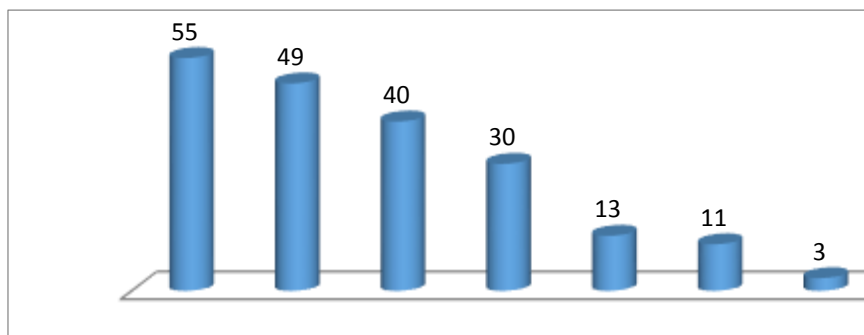
موسیقی بیرونی (وزن-بحر): مهمترین عامل تأثیرگذار شعر پس از عاطفه، وزن است؛ زیرا برانگیختن عواطف بدون وزن کمتر اتفاق میافتد و انتخاب وزن مناسب موسیقی شعر را دلپذیر و احساسات درونی شاعر را بیان میکند. با بررسی و تحلیل بحرهای مذکور مشخص میشود که ۱۴۳ شعر را بصورت مثنی و تعداد ۵۷ شعر را بصورت مسدس سروده است. ۲۶ بحر مورد استفاده در ۲۰۰ شعر دیوان مطلع در قالب مختلف در جدول ذیل بترتیب از پرکاربردترین تا کم کاربردترین بحر بیان شده است:

نام جدول ۱- بسامد کل هر بحر در دیوان مطلع

ردیف	بحر	تعداد	ردیف	بحر	تعداد
۱	مفعول فاعلاتن مفاعیل فاعلن	۳۷ مورد	۱۵	فاعلاتن فاعلاتن فعلن	۴ مورد
۲	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن	۲۳ مورد	۱۶	مفتعلن فاعلاتن مفتعلن فع	۳ مورد
۳	مفاعیل فاعلاتن مفاعیلن فعلن	۲۰ مورد	۱۷	مفاعیل مفاعیل مفاعیل فعولن	۳ مورد
۴	مفاعیلن مفاعیلن فعولن	۱۹ مورد	۱۸	مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن	۲ مورد
۵	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فعلن	۱۳ مورد	۱۹	مفتعلن مفتعلن فاعلن	۲ مورد
۶	فاعلاتن مفاعیلن فعلن	۱۱ مورد	۲۰	مفتعلن مفتعلن مفتعلن مفتعلن	۲ مورد
۷	مفعول مفاعیلن مفاعیلن	۱۱ مورد	۲۱	مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن	۲ مورد
۸	فاعلاتن فاعلاتن فاعلن	۱۰ مورد	۲۲	فاعلاتن مفعولن فاعلاتن مفعولن	۲ مورد
۹	مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن	۷ مورد	۲۳	فعلات فاعلاتن فعلات فاعلاتن	۱ مورد
۱۰	مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن	۶ مورد	۲۴	مفعول مفاعیلن فعولن	۱ مورد
۱۱	مفعول مفاعیلن فعولن	۶ مورد	۲۵	مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن فاعلاتن	۱ مورد
۱۲	فعولن فعولن فعولن فعولن	۶ مورد	۲۶	مستفعلنن مستفعلنن مستفعلنن مستفعلنن	۱ مورد
۱۳	مستفعلنن مستفعلنن	۴ مورد	-		۲۰۰ مورد
۱۴	فعولن فعولن فعولن فعل	۴ مورد	-	-	

تعداد کل هر بحر در دیوان مطلع در نمودار زیر آمده است:

نمودار ۱- بسامد کل هر بحر در دیوان مطلع



مطلع، در غزلیاتش بیشتر گرایش به کاربرد اوزان بلند داشته است و آهنگهای کلام او معتدل است، وی در حدود ۲۰۰ شعر در قالبهای (غزل، قصیده، قطعه، ترکیببند، ترجیع‌بند، دوبیتی و رباعی) ۵۷ شعر از وزنهای کوتاه که ضربی و تند و پرحرکت استفاده نموده است. این بحرها به ندرت سالم و بیشتر مزاحف و بصورت مثنی است. پرکاربردترین بحر در دیوان او بترتیب بحر هزج، رمل و مضارع است و در این میان شاعر به بحرهای هزج و رمل علاقه وافر داشته بطوری که نیمی از دیوان او در این دو بحر سروده شده است که بیانگر علاقه شاعر به آواز و سرود با کلماتی متدارک و متقارب است.

موسیقی کناری (قافیه و ردیف): موسیقی کناری حاصل جلوه‌های موسیقایی از تکرار واژگان شعری در آغاز یا پایان هر بیت است که البته این تکرار در قالبهای سنتی بیش قافیه و ردیفهای پایانی است، عبارتی «قافیه نوعی زمینه سازی برای القای موسیقی شعر در ذهن آدمی است» (پیوند موسیقی و شعر، ملاح: ۸۵) غالب غزلیات دیوان مطلع دارای ردیف است. قافیه و ردیف ساده، آسان و طبیعی است. چنانکه سادگی و بی‌تکلفی معنی و لفظ نیز از مختصات این غزلیات است. قافیه‌ها بترتیب بیشتر اسمی، فعلی و حرف است؛ اما ردیفها بترتیب بیشتر فعلی، اسمی و حرفی است.

استعمال قافیه‌های ساده و به دور از تکلف از مهارت و دقت این شاعر در آفرینش سروده‌هایش خبر میدهد. کلمات قافیه در عین سادگی، دارای بیشترین اشتراکات واجی هستند و با وجود تفاوت، قرابت و شباهتی را در قالب آهنگ یکنواخت و موزون در ذهن تداعی میکنند که باعث گوش نوازی و غنای موسیقی نیز میشوند. از مجموع ۲۰۰ شعر، ۹۱ قافیه (۴۵ درصد) با حرف روی "الف" سروده شده است و طبق بررسیهای به عمل آمده ۹۷ مورد (۴۸٪) اشعار وی مردف است و ۱۰۳ مورد (۵۱٪) از اشعار مقلّاً میباشند. ۶۲ مورد (۶۴٪) از اشعار مردف او، ردیف فعلی دارد.

ردیف از جهات موسیقی و ترکیبات و مجازهای بدیع به تداعیهای شاعر در شعر کمک میکند، انواع ردیفها در دیوان مطلع بصورت ذیل است:

ردیفهای فعلی: است، نیست، آمد، شکند، نباشد، شد، بماند، خیزد، کنم، اندازد، بسوزد، افشانده‌اند، گشتم، آید...
فغان من از این چرخ بلند است مرا پیوسته خاطر زو نژند است
(همان: ۷)

ردیف‌های اسمی: وفا، روزگار، دوست، قم، ری، زینب، چشم، دین...

چشمم فتاد تا به سواد دیار قم نقد روان گرفته نمودم نثار قم
(همان: ۱۳۹)

ردیف‌های ضمیر: خوشتن، من، تو

با کاروان چو عزم سفر کرد یار من در ناله شد درای دلِ غمگسار من
(همان: ۱۳۹)

ردیف‌های حرفی: را، به هم

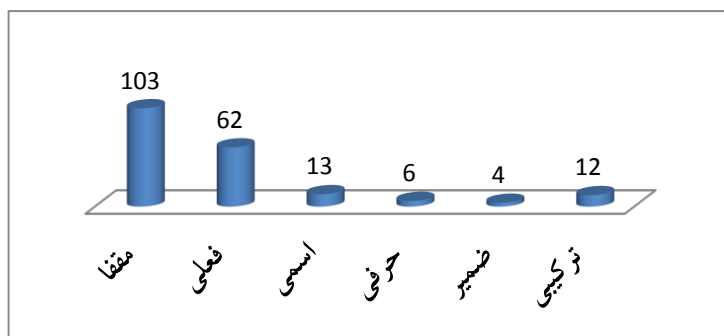
اگر به جلوه در آری تمام جمال زیبا را کنی ز جلوه مسخر تمام دنیا را
(دیوان: ۱)

ردیف‌های ترکیبی: نشد هنوز، ای دوست، از فراق، ای دل، نشد عیان، ای جان و دل

گرم افتد گذر بر کویت ای دوست کنم جان را نثار مویت ای دوست
(همان: ۸)

مطلع از تاثیر موسیقی کناری بر غنای موسیقی شعر آگاه است به همین خاطر از انواع ردیف‌ها بویژه فعلی بهره میگیرد تا علاوه بر ایجاد جنبش و پویایی در شعر به اهداف معنایی و محتوایی نیز دست یابد. ردیف‌های فعلی موجب استواری قافیه و تنوع صورخیال و همچنین ساختار دستوری جملات کمتر دستخوش دگرگونی و تغییر میشود و این امر به سلامت زبان کمک میکند. از دیگر انواع ردیف در غزلیات بصورت ذیل میباشد که البته ردیف‌ها بصورت طبیعی و بنا به ضرورت معنی آمده‌اند.

نمودار ۲- انواع ردیف و قافیه در غزلیات یغما



موسیقی درونی:

موسیقی درونی حاصل هماهنگی و نسبت ترکیب کلمات و طنین خاص هر حرفی در مجاورت با حرف دیگر است. «این موسیقی در آرایه‌های مختلفی مانند انواع جناس، ردالصدر، ردالعجز، تکرار، واج آرای و غیره متجلی میشود.» (جمالی، ۱۳۸۳، ص ۶۳)

-تکرار: یکی از عوامل موسیقی آفرین تکرار است که در سطح واج، هجا، کلمه و کلام صورت میگیرد و زیبایی

خاصی به اثر می‌دهد، «تکرار در زیبایی شناسی هنر از مسائل اساسی است؛ صداها، غیر موسیقایی و نامنظم که در آن تناوب و تکرار نیست باعث شکنجه روح میشود» (شمیسا، ۱۳۶۸، ص ۸۹). مطلع در سراسر دیوان به استفاده از تکرار به طرق مختلف با آهنگین نمودن هرچه بیشتر کلام بر لطافت و گوش نوازی شعرش افزوده است. -تکرار کلمه: از شگردهای پرکاربرد و مورد علاقه مطلع است.

زیستن بی تو حرام است، حرام هر که با توست به کام است به کام
با وصال تو جهان است بهشت باده عیش به جام است به جام
(همان: ۴۳)

در بیت زیر، نغمه حروف «ک»، «الف» و «گ» به زیبایی در انتقال معنا مشارکت نموده است:
کفاره گناه نیاکان من سلف گویاست این بلیه که بر ما کند نزول
(همان: ۱۷۳)

-واج آرای: تکرار حروف در سراسر اشعار مطلع به چشم می‌خورد. بطور مثال واج آرای «الف» در بیت زیر تداعی کننده است:

با هاشمی چه نام ز تیم و عدی بری با پاکزاد نام مبر دیگر از دغول
(همان: ۱۷۳)

واج آرای حرف «س» و «ش» که از حروف است و بر شلوغی و آشوب دلالت دارد:
آشفته گه از غمزه ترکان طرازی گه شیفته از حسنی و در شکل و شمایل
(همان: ۱۷۴)

در بیت زیر «س» و «ش» نغمه‌ای از شادی را تداعی میکند:
لشکر شادی کنون بر لشکر درد و محن دست‌ها پیوسته از بهر نهباف افشاندند
(همان: ۱۷۵)

واج آرای حرف «ت» و «ز» در بیت زیر نغمه‌ای از گفتگو را تداعی میکند که البته با تشبیه هم همراه است:
به چشم مست بتان تیر غمزه داد عیان کمان ز حاجب و خنجر زهر دو مژگان داد
(همان: ۱۷۸)

جناس بین نامه و خامه و همچنین مدح و مدیح که با مراعات نظیر آمیخته شده است:
هر نامه که باشد همه‌اش دفتر مدح است هر خامه که روید به مدیحه به سریر است
(همان: ۷۳)

در بیت ذیل جناس، مراعات نظیر و واج آرای موسیقی بی‌همتایی را در یک تابلوی نقاشی پدید آورده‌اند.
همه جا نقش بود بر در و دیوار وجود که به جز ذات خداوند نباشد موجود
(همان: ۲۵)

سطح واژگانی (لغوی و نحوی):

- لغوی (واژه‌ها): مطلع مازندرانی از شاعرانی است که با آمیختن تجربیات علمی و دینی و عرفانی و فلسفی که تحت تأثیر اوضاع فرهنگی، اجتماعی و سیاسی حاکم بر جامعه روزگارش با شعر فضای زبانی مخصوص به خود را در دیوانش به نمایش گذاشته‌است.

–**استفاده از واژه‌های کهن:** مطلع از واژه‌های کهن در اشعار خود استفاده نموده است، مانند: (پیلوار، انگلیون، پارگین، پرند، پویه، چارمین، چگل، چنبر، چوخوا، ژنگ، ژیک، شالهنک، شفت‌رنگ و غیره)

چار نَبود سدیگرش خوانیش خنجر و دشنه و سنان و پرند
(همان: ۴۲)

ز آب ابر کرمش صفحه خاک غیرت جنت و انگلیون است
(همان: ۱۵۸)

–**استفاده از واژه‌های عربی:** پررنگ بودن بنمایه‌های دینی و عرفانی نسبت به مضامین عاشقانه در قصاید باعث افزایش کاربرد واژه‌های عربی و اشارات دینی در اشعار مطلع شده است که این نکته در غزلیات برعکس است. این مختصات زبانی و لفظی موقعی سبک ساز میشوند که از تکرار برخوردار شوند یعنی در اصطلاح سبک‌شناسی از بسامد برخوردار باشند. برای مثال شاعری که در دوره معاصر از واژگان عربی کثیر استفاده میکند و این استفاده کردن به گونه‌ای است که به چشم می‌آید و به ذهن حمله میکند، ویژگی سبک زبانی آن شاعر میشود. استفاده از واژه‌های عربی مانند: (صولجان، جحیم، قرع، اعسار، مهالک، اصفیاء، جمل، بلل، مستحرم، عرین، رسل، حجل، سمل، ثوب، اضل، صلب، حاطه، مطاف، ظلوم، نقول، ضلول، عدول، قوافل، امائل، جلاجل، ابطال، بضع، عرین، غابط، طمیم و غیره) بسیار در دیوان مطلع مشاهده می‌گردد.

بحر دانش کوه بینش محور جود و وقار
کز کرم لطفش شفیع ذنب و عصیان آمده
(همان: ۲۵۰)

ره می‌سپردم روز و شب با اشتر و خیل عرب
پیلان هندی با طرب پویان به هامون بی مَطَل
(همان: ۲۵)

مطلع مازندرانی در اشعارش از لغات و اصطلاحات فارسی و غیرفارسی با ترکیبها و نوع گزینش به شکلی خاص استفاده میکند که میتوان از آن بعنوان ویژگی زبان شاعر سخن گفت: برای مثال به گونه‌ای خاص از واژگان عربی بهره میبرد که میتوان از آن بعنوان ویژگی سبکی شاعر تعبیر کرد:

کاربرد واژه «منظور» در معنای «معشوق»:

به عالم جز تو منظوری ندارم
نخواهم جز تو فردوس برین را
(همان: ۵)

کاربرد «تسخین» ضد «تبرید»

تبرید از در منه و تسخین ز اسفناج
افزون شود مرض چو خوری شوربای ری
(همان: ۱۵۴)

«هَجَل» به معنی دشت و هامون

تا حبه السودای او بر روی چون بیضای او
دل در پی سودای او پیوسته در کوه و هَجَل
(همان: ۱۵۹)

«سمقونیا» (نام گیاهی)

از کار خویشتن بفتادند یکسره
معجونها و منفج و سَمَقُونِیای ری
(همان: ۱۵۴)

- استفاده از اصطلاحات عرفانی مانند (حیرت، طلب، رضا، شهود، فنا، ...)

مهر خاموشی ملایک را به لب داغ «حیرت» در دل انسان بماند
(همان: ۱۸)

ز نقد جان شدمت طالب و کنون بنگر که جان همی به بیم اندرین «طلب» آمد
(همان: ۲۰)

از نظر مختصات زبانی به دلیل نزدیک بودن نگارش کتاب به روزگار ما، ویژگیهای املائی زیادی که متفاوت با روزگار ما باشد در کتاب دیده نمیشود؛ اما به نظر میرسد تأثیرپذیری از زبان عربی در کاربرد برخی از واجها به گونه‌ای است که میتوان از آن بعنوان ویژگی زبانی این دیوان سخن گفت.

نوشتن حرف «گ» به شکل معرب آن و به صورت «ک» در سراسر دیوان مانند «اکر، کرفت، کشته، گوشه، مژگان و...» به جای «اگر، گرفت، گشته، گوشه، مژگان و...»:

به کیتی(گیتی) با تو نسبی کی توان داد به نیکوئی بتان مشک چین را
(همان: ۵)

کرفتار(گرفتار) کمند ماهرویم که دل پیوسته از وی مستمند است
(همان: ۷)

بستان هشت منظر از نکهت اثر سلطان هفت کشور بر درکعت(درگهت)کدا(گدا)
(همان: ۸۱)

همچنین «کشت = گشت» (همان: ۵)؛ «کلشن = گلشن» (همان)؛ «کفتم = گفتم» (همان: ۶)؛ «کلستان = گلستان» (همان: ۶۷)؛ «کلکون = گلگون» (همان: ۷۴)؛ «مدح کستر = مدح گستر» (همان: ۱۶۳) و غیره.

ویژگیهای نحوی

در سطح نحوی نکات زیر در دیوان او برجسته است که نشان میدهد شاعر در ساختار نحوی به سبک دوره خراسانی نیز توجه دارد.

- کاربرد «اندر» به جای «در»

مطلع مازندرانی ضمن اینکه از حرف اضافه «در» استفاده میکند بارها، از کلمه «اندر» که در سبک خراسانی استفاده میشد به جای «در» استفاده میکند به گونه‌ای که میتوان جزء مختصات زبانی او به حساب آورد:

چه داند محنت بیداری آن کس که خواب راحتش «اندر» پرند است
(همان: ۷)

کاربرد کلمات مخفف

در بیت زیر به جای «شاه» از «شه» و به جای «عجیب» از «عجب» استفاده کرده است:

می کش چنان که دانی ای پادشاه حُسن کز «شه» «عجب» نکشتن یک چاکر از سپاه
(همان: ۵۴)

حذف حرف اول فعل

فتادم تا نظر بر چهره تو شب و روزم نه آرام و قرار است
(همان: ۷)

حذف مصوت کوتاه با ساکن کردن:

ز آتش تیغ تو «بگرفت» آب شرع احمدی هم ز نیروی تو رونق قهر یزدان یافته
(همان: ۵۸)

نوشتن «ه» غیرملفوظ پیش از نشانه‌های جمع، نسبت و مصدرساز:

ای فلک باز از افق کردی مه ماتم عیان آشکارا ساختی از تازه کی سوز نهان
(همان: ۱۰۹)
از طلوعش آفتاب زنده کی شد در غروب وز ظهورش تیره‌زاه غم زمین و آسمان
(همان)

-استفاده از اصطلاحات نحو عربی مانند لم، لَمّا، کیف:

تا جرّ اسم از با بُود، تا جزم فعل از لا بود تا نفی از لَمّا بود تا حرف اثبات است بل
(همان: ۱۶۴)
«کیف» و «لم» را در وجوب راه نیست این و آن در عرصه امکان بماند
(همان: ۱۸)

-شاعر حرف اضافه «به» را همواره به متمم یعنی به اسم بعد از خود می‌چسباند. این کاربرد از بسامدی برخوردار است که آن را میتوان ویژگی سبکی شاعر دانست:

بودش مکان بسینه حیدر ز راه دور وز ناز پروریده در آغوش مادرش
(همان: ۱۱۹)
باعتدال قدت نیست درجنان طوبی که هر چه هست نه آخر درخت بستان است
(همان: ۷)

کاربرد تلفظی خاص کلمه به گونه‌ای که برجستگی ایجاد میکند. مانند کلمه «اوفتد»

به جای «افتد»:

خود چه مصنوعی تو کز رفتار تو اوفتد در خلق عالم انقلاب
(همان: ۱۱)

استفاده از کسره اضافه بصورت پیاپی، شاعر با این شگرد بر ساخت موسیقایی می‌افزاید:

گردر کمند زلف تو جای گریز نیست هم جز اسیر دام یارا عزیز نیست
(همان: ۹)

شاعر معمولاً حرف اضافه «به» به فعل می‌چسباند:

هر عمل کس در جهان «بنمود» یا بد کیفرش در سقر زین کرده‌ها خود را مخلد کرده‌اند
(همان: ۱۱۱)

در کاربرد زبان گاهی شاعران و نویسندگان به کاربردی خاص از زبان معیار توجه میکنند که این کاربرد خاص برای آنان ویژگی سبکی پیدا میکند و در اصطلاح می‌گوییم این مختصات زبانی در زبان این شاعر سبک آفرین و

سبک ساز است. مطلع مازندرانی دوره قاجاریه به گونه‌ای از بیان واژه‌ها بهره میبرد که سبک عربی مآبی را در ذهن خواننده پدید می‌آورد. کاربرد «ج» به جای «چ» و «ک» به جای «گ» که از مختصات سبک زبانی قرن سوم و چهارم است و در آثاری مانند حدائق السحر و ترجمان البلاغه دیده می‌شود، در دیوان مطلع مازندرانی قابل ردیابی است و او آن را به گونه‌ای استفاده می‌کند که با توجه به عدول هنجار زبانی دوره، از مختصات سبکی زبانش به حساب می‌آید و میتوان گفت که پیش از آن سابقه‌ای نداشته‌است. با توجه به این که دیوان شاعر به چاپ نرسیده، تنها به آن مختصات زبانی که ارزش سبک شناسانه دارد، اشاره‌شد.

سطح ادبی

دنیای خیال، دنیایی است که هنرمند و فقط هنرمند آن را می‌بیند و کشف می‌کند و بعد به دیگران هم نشان میدهد. (خلیلی جهانتیغ، ۱۳۸۰، ص ۱۰۲)

تشبیه

تشبیه بر چند گونه است، «یکی آنست کی چیزی را به چیزی مانده کنند به صورت و هیئت یا چیزی را بر چیزی مانده کنند به صفتی از صفتها، چون حرکت، سکون، لون، رنگ، شتاب و درنگ» (رادویانی، ۱۹۴۹، ص ۴۴)

تشبیه بلیغ:

تشبیه بلیغ، تشبیهی است که در آن ادات و وجه‌شبه هر دو حذف میشوند. تشبیه بلیغ رساترین، و زیباترین شکل تشبیه است؛ چرا که ادعای همانندی و اشتراک بین مشبه و مشبه‌به در این نوع از تشبیه قویتر است، تا آنجا که برخی، این نوع تشبیه را استعاره دانسته‌اند. (علوی مقدم و اشرف زاده، ۱۳۸۶، ص ۸۸)

در دیوان مطلع مازندرانی تشبیهات بلیغ در دو صورت اضافی و اسنادی کاربرد دارند که تشبیهات بلیغ اضافی بالاترین را بسامد دارد.

تشبیه بلیغ اضافی: (۴۵ مورد)

عَمَّان رفعت را گُهر باغ جلالت را ثمر
شهر معارف راست در، از هر چه گویم زان اجل
(شعر ۲۸۹، بیت ۱۰)

تشبیه بلیغ اسنادی: (۹ مورد)

زلف تو مار دوزخی فردوس جاوید از رخی
اندر بهشت ای خَلْخی کی مار سر بر میزند
(شعر ۵۹، بیت ۲)

تشبیه از دیدگاه وجه شبه و ادات تشبیه: (بنا بردیدگاه ارکان پنج گانه، تشبیه به پنج دسته تقسیم میشود) - تشبیه مفصل: (۵۱ مورد)

تشبیهی که در آن، وجه شبه ذکر شده باشد و در اشعار مطلع (۳۴٪) بسامد تشبیه مفصل است.

همچون سپند ز آتش عشق تو سوختم
بر من نگریدی که دگر نبودم شکیب
(شعر ۱۲، بیت ۳)

- تشبیه مجمل: (۲۶ مورد)

آن نوع تصویرسازی در کلام است که در قالب تشبیه، وجه شبه ذکر نمیشود. در غزلیات مطلع، (۱۷٪) بسامد تشبیه مجمل است.

نهیب تو چون نفع صور قیامت حسام تو چون خسرو مرگ صف در
(شعر ۲۰۹، بیت ۸)

-تشبیه مرسل: (مجموع مفصل و مجمل)، (۱۳ مورد)
تشبیه مرسل آن است که ادات تشبیه در آن ذکر شده باشد. بسامد تشبیه مرسل در غزلیات مطلع (۹٪) است.
دو زلف عنبرین همچو چوگان دل خلق جهان گوی تو باشد
(شعر ۵۸، بیت ۳)

-تشبیه موکد: (۶ مورد)
تشبیه موکد آن است که ادات تشبیه در آن محذوف باشد. با بسامد (۴٪)، این نوع تشبیه کمترین کاربرد را در اشعار مطلع دارد.

به چهره صبح منیری به زلف شام مکدر به نطق و لطف چو قندی به قهر و کین چو کیستی
(شعر ۱۱۷، بیت ۲)

جدول ۲: بسامد انواع تشبیه از دیدگاه وجه شبه و ادات تشبیه

نوع تشبیه	بلیغ	مجمل	مفصل	موکد	مرسل
تعداد	۵۴	۲۶	۵۱	۶	۱۳
درصد	۳۶٪	۱۷٪	۳۴٪	۴٪	۹٪

تصاویر تشبیهی کلیشه‌ای: (۸ مورد)
یکی از ویژگی‌های تشبیهات مطلع، کلیش و ایستایی شدن کلامش، به کار بردن تصاویر تکراری است، شاعر در کاربرد تصاویر کلیشه‌ای، همچو پیشینیان مورد نظر خود، میاندیشد و میبیند و فردیت و سبکش را در یک جمع و سبک دیگر به جا میگذارد (شمیسا، ۱۳۸۶، ص ۲۱۶).

شاعران، برای تقلیدهای درست، مجبور هستند به همه جوانب مختصات زبانی، فکری و ادبی آثار قدما دقیق شوند و آنها را بیاموزند. مشبه به‌هایی را که شاعران به کار میبردند، بشناسد و خلاصه اینکه چون قدما تفکر کند، موی مجعد را دوست داشته باشد و ابروی کمانی را. (همان). روی معشوق را به ماه و خورشید مانند میکند و زلف به مشک تار، سنبل، کمند و چوگان:

زاهد مده تو پند که چوگان طره‌اش
بربود گوی دل ز کف اختیار من
(شعر ۱۰۵، بیت ۴)

انواع دیگر تشبیه، تشبیه به لحاظ شکل:

تشبیه به لحاظ شکل به انواع مختلفی از جمله تشبیه تفضیل، تشبیه مفروق، تشبیه تسویه، تشبیه جمع و تشبیه مضمّر، تقسیم میشود، در این بین تشبیه تفضیل، تشبیه مضمّر، تشبه مفروق و ملفوف، در دیوان مطلع به کار رفته است.

تشبیه ملفوف: (۲ مورد)

آن است که چند مشبه و مشبه به را بیاورند، بدین ترتیب که اول مشبه‌ها و سپس مشبه به‌ها را ذکر کنند، یعنی بین مشبه و مشبه به نوعی لف و نشر وجود داشته باشد:

روی یار و کاکلش در بزم عشرت شمع و دود می دولب، زلفین جنگ و خد بُود مانند عود
(شعر ۵۷، بیت ۱)

تشبیه مفروق: (۸ مورد)

آن است که چند مشبه و مشبه به آورده شود، هر مشبه با مشبه خود (داد، ۱۳۷۸، ص ۷۵).

خنده برق، ابر قدح، رعد نوا، باران می گلرخان سرو و سمن ساحت باغ انجمن است
(شعر ۷۱، بیت ۶)

تشبیه تفضیل: (۴۵ مورد)

آن است که شاعر مشبه را به مشبه به مانند میکند، اما آن را به نوعی بر مشبه به برتری میدهد، گویی به تشبیهی که کرده است قانع نیست و میخواهد بوسیله مبالغه و برتری دادن مشبه، بر مشبه به خود را راضی کند. (علوی مقدم و اشرف زاده، ۱۳۸۶، ص ۱۱۰).

تا به عالم گشت شیرینی رفتارش عیان کبک را رونق ز شیرینی رفتار افتاد
(شعر ۵۳، بیت ۴)

تشبیه مضمّر: (۱ مورد)

آن است که گوینده چیزی را به چیزی تشبیه کند، ولی در ظاهر نشان دهد که مقصودش تشبیه نیست:

چو در مسجد به محراب اندر آیم مرا خاطر نه جز ابرویت ای دوست
(شعر ۱۳، بیت ۲)

بعد از بررسی دیوان مطلع، 56 مورد آرایه تشبیه یافت شد که شرح بسامد هریک از انواع آن در جدول زیر آمده است:

جدول ۵: بسامد انواع تشبیه به لحاظ شکل

نوع تشبیه	مفروق	ملفوف	تفضیل	مضمّر
تعداد	۸	۲	۴۵	۱
درصد	۱۴٪	۴٪	۸۰٪	۲٪

استعاره

استعاره، در لغت چیزی به عاریت خواستن است؛ و در اصطلاح، نقل لفظی باشد از معنی حقیقی به معنی دیگر که آنجا بر سبیل عاریت مستعمل باشد؛ و علاقه بین المعنیین مشابَهت بود (واعظ کاشفی سبزواری، ۱۳۶۹، ص ۱۰۴).

در شعر مطلع مازندرانی، تنها دو مورد استعاره مصرحه مجرده، کاربرد دارد.

استعاره مصرحه مجرده: (۲ مورد)

استعاره مصرحه مجرده یعنی در کلام مشبه به را با ملاتمات مشبه همراه است. این نوع از استعاره از بسامد بالایی در غزلیات مطلع برخوردار است.

گرفتار کمند ماهرویم که پیوسته از وی مستمند است
(شعر ۱۱، بیت ۲)

تشخیص: تشخیص، بخشیدن خصایص انسانی، به امور انتزاعی و موضوعات غیر انسانی است (خلیلی جهان‌نیک، ۱۳۸۰، ص ۱۲۴).

در دیوان مطلع تعداد ۲۳ مورد مربوط به استعاره تشخیص مشاهده گردید.

تا بُود بر تن مرا جان ناله و افغان کنم دیده افلاک را گریانم از این ماجرا
(شعر ۱۳۳، بیت ۱۰)

مجاز: مجاز ضد حقیقت بود؛ و حقیقت آن است که لفظ را بر معنی اطلاق کنند که واضع در اصل آن لفظ را به ازای آن معنی وضع کرده باشد؛ مجاز آن است که از حقیقت درگذرند؛ و لفظ را بر معنی دیگر اطلاق کنند که در اصل نه برای آن موضوع باشد. اما با حقیقت آن لفظ وجه علاقه‌ای داشته باشد که بدان مناسبت مراد متکلم از آن اطلاق فهم توان کرد (واعظ کاشفی سبزواری، ۱۳۶۹، ص ۱۰۴).

مجاز به سبب علاقه، به اقسام مختلف، تقسیم می‌گردد که در این بین مجاز محلیه در دیوان مطلع، کاربرد دارد:

از خوی تو هر کسی در آزار وز جور تو عالمی در افغان
(شعر ۷۱، بیت ۶)

مجاز خاص به عام:

به زاه طاعت آن هر که از وضع و شریف
مطیع آن به زمین هر کسی ز پیر و جوان
به راه خدمت این هر کسی ز مرد و ز زن
غلام درگاه این ساکنان چرخ که
(همان: ۷۸)

کنایه: کنایه در لغت به معنی پوشیده سخن گفتن است، و در اصطلاح سخنی است که دارای دو معنی قریب و بعید باشد و این دو معنی لازم و ملزوم یکدیگر باشند پس گوینده آن جمله را چنان ترکیب کند و به کار برد که ذهن شنونده از معنی نزدیک به معنی دور منتقل می‌گردد (همایی، ۱۳۸۲، ص ۲۵۵).

پی وصل بتان از جان سپردم ز هجران جامه‌ها بر تن دریدم
(شعر ۱۰۳، بیت ۲)

در دیوان مطلع شاعر برای بیان مطلوب و منظور خود به گونه‌های مختلف صور خیال روی می‌آورد، در دیوان مطلع تشبیهات از بسامد بالایی برخوردار هستند و هر چند پویایی تشبیه از سایر صورتهای خیالی بیشتر است اما باید در نظر داشت تصویرهای شاعران دوره‌های قبل، از طبیعت و تجربه مستقیم گویندگان است، در صورتی که تصویرهای گویندگان، دوره‌های بعد اغلب از طریق کلمه و مطالعه در شعر گذشتگان حاصل شده است (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۳، ص ۲۶۶).

سطح فکری

در سطح فکری، مطلع مازندرانی را باید شاعری درونگرا، شیعه با نگاهی عرفانی و معتقد به آیین و کلام آن دانست. او همواره از سطح ظاهری پدیده‌ها عبور کرده و به عمق درون آنها نفوذ میکند. با توجه به اینکه مطلع به مضامین بیشتر از صورت و ساختار عنایت داشته، وی را شاعری درون‌گرا میتوان دانست. که نگاهی عرفانی دارد و معتقد به آیین و کلام است.

-**محتوای غنایی:** شعر غنایی سخن گفتن از بیان احساسات شخصی است، مشروط بر آنکه کلمه، احساس و شخص را وسیعترین مفاهیم آن در نظر بگیریم (شفیعی کدکنی، ۱۳۵۴، ص ۱۱۲).
عاشقانه‌سرایی: در بخش غزلیات، پیوسته وصف معشوق، جفا، فراق و درد هجران و مفاهیم مربوط به عشق را بیان مینماید. معشوق وی جفاکار است و مطلع در حالیکه عاشق است و با مبالغه‌های متعادل زیبایی او را میستاید مدام از جفا و فراق دل صحبت میکند.

عجب زناوک چشمان فتنه انگیزت که کرده صید همه وحش و طبر صحرا را
(همان: ۱)

جز جفا از خوی دلبر نیست در خاطر مرا با وفاداری ندیدم من به گیتی زو وفا
(همان: ۳)

مکش به خنجر مژگانم از جفا نیایی چو من کسی که سپارد قدم طریق وفا را
(همان: ۴)

سیه بختی خود دانستم آن روز که دیدم خال و زلفت آشکارا
(همان: ۵)

مرا بهشت زهجران تو چو زندان است جحیم گاه وصال تو به ز رضوان است
(همان: ۹)

در تو نبود به غیر عشوه و جور ناید از من به غیر عجز و نیاز
(همان: ۳۹)

در کنار مضمون عشق، مهمترین محتوای غنایی، مضمون یأس و ناامیدی است. وصف اندوه مطابق طبیعت شعر فارسی در اکثر دوره‌ها دیده میشود، مانند اندوه از چرخ و فلک که در دیوان مطلع نیز آمده است،

فغان من ازین چرخ بلند است مرا پیوسته خاطر زو نزند است
(همان: ۱۰۰)

فغان از گردش چرخ ستمگر که پرکین بود و بی مهر و بد اختر
(همان: ۷۳)

-**مدح ائمه اطهار:** در شعر فارسی مضمون مدح همچنان یک بخش لاینفک بود، اما در دوره صفویه کم کم از رواج افتاد؛ پادشاهان صفوی خواستار مدح خودشان نبودند و اعتقاد داشتند که شاعران باید ائمه اطهار را مدح بگویند و پاداش خود را از آنها دریافت نمایند (شعر و ادب فارسی، مؤتمن: ص ۳۲). بنابراین با توجه ویژه صفویان به مذهب شیعه، مدح ائمه معصومین از مضامین اصلی شعر گردید. بطوریکه کمتر شاعری را میبینیم که قصیده سروده و ستایش‌نامه‌ای از پیامبر و امامان شیعه نداشته باشد (صفاء، ۱۳۷۸، ص ۶۰۷). مطلع اشعاری که در رئای ائمه سروده به روشنی دیدگاه شیعه بودن وی را معرفی میکند و نشان میدهد به مسایل دینی و ائمه توجهی ویژه دارد.

تا شربت ثنای تو بر کام من رسید دیگر نه گفت و گو ز کهین و مهین کنم
خاتم تویی ز شرع تو در دین احمدی پنجاهه را به دل به گه اربعین کنم
(همان: ۲۵۵)

منقبت ائمه معصومین (ع) در قالبهای قطعه، قصیده، ترجیع‌بند و ترکیب‌بندها آمده است، نعت پیامبر (ص)، مدح امام علی (ع)، امام حسین (ع)، امام علی بن موسی (ع)، امام محمدتقی (ع)، امام علی نقی (ع) در دیوانش دیده میشود. بالاترین فراوانی متعلق به مدح حضرت علی (ع) است. او تلاشش در این است که همواره مدح گوی حضرت باشد. قدر دو جهان است ولای علی و آل پنهان ز چهای با همه زرهای شریفه (همان: ۱۱۶)

بارم	ز	دو	دیده	اشک	خونین	در	ماتم	آن	شهید	مهموم
با	سوز	دل	و	درون	پر	درد	در	تعزیت	حسین	مظلوم

(همان: ۲۳۵)

مطلع وصف امام حسین (ع) و توصیف واقعه عاشورا را در ابیات زیر آورده است:

چون	کشته‌اند	یاور	سلطان	کربلا	لب	تشنه	غرق	خون	به	بیابان	کربلا
ریگ	زمین	ز	خون	جوانان	هاشمی	مانند	لعل	شد	به	بدخشان	کربلا

(همان: ۳۲۷)

والی	ملک	ولایت	آن	امام	دین	نقی	کز	تفاوت	خالص	و	بی	عیب	چون	زر	شد	عیان
------	-----	-------	----	------	-----	-----	----	-------	------	---	----	-----	-----	----	----	------

(همان: ۳۴۴)

-**مضامین عرفانی:** در بیان عرفان به جزئیاتی مانند قبض و بسط، حیرت، تجلی، کشف، ذات، کثرت، وحدت، وصل، ظهور، حسن و غیره تکیه دارد. استفاده از اصطلاحات عرفانی در اشعار مطلع به اندازه‌ای است که میتوان از آن بعنوان ویژگیهای زبانی و فکری شاعر سخن گفت.

واژه‌های زاهد، زهد، رند:

زهد از جمله مقاماتی است که سالک باید آن را طی کند؛ چراکه در تصوف باید از رنگ تعلق آزاد بود و بخاطر وصول به حق از همه جهات و هرچه در او هست گذشت (رجایی بخارایی، ۱۳۶۴، ص ۳۶). مطلع گویی با حافظ همسو است و زاهدان را مظهر ریا میدانند.

گر	زاهدان	به	وادی	حیرت	نظر	کنند	از	زهد	خویشتن	هم	قطع	نظر	کنند
----	--------	----	------	------	-----	------	----	-----	--------	----	-----	-----	------

(همان: ۲)

حیرت: در عرفان اسلامی، حیرت یکی از مقامات عالی عارف است که در وادی امر همراه با ضلالت و سرگردانی است چون «عقل از ادراک ذات باری تعالی عاجز است و هرچه عجز و ناتوانی عقل در این مرحله بیشتر باشد حیرت نیز افزونتر است» (ابن عربی، ۱۹۷۵، ج ۴: ۲۶۵).

زینت	از	حیرت	به	دور	شاه	دین	گردد	ملال	چون	به	دور	قطب	گردون	روز	و	شب	گردد	جُدی
------	----	------	----	-----	-----	-----	------	------	-----	----	-----	-----	-------	-----	---	----	------	------

(همان: ۸۴)

مردان	ره	اندر	طلب	سیر	و	سلوکند	تو	مانده	به	زندان	هوا	وز	همه	غافل
-------	----	------	-----	-----	---	--------	----	-------	----	-------	-----	----	-----	------

(همان: ۱۳۱)

ظهور و مشهود، جلوه

ز نظرهاست نهان ذات وی از فرط حضور هست در عین خفا چون مه و بیضا مشهود
خواست تا صورت خود جلوه دهد در عالم از تجلی در عرفان به رخ خلق گشود
(همان: ۲۱)

-مضامین تعلیمی: مضمون تعلیمی در تمام دوره‌های ادبی دیده میشود، مطلع در کنار مضامین دیگر به مضمون تعلیمی نیز توجه دارد که البته در سروده‌هایش صبغه عشق و عرفان آشکارا دیده میشود. سراسر دیوان سرشار از توصیف معشوق و مد ممدوح و مراثی است و کمتر جنبه پند و اندرز دارد. اغلب مضامین توصیه‌هایی تعلیمی وی درباره عدم دلبستگی به دنیا، دوری از حرص و طمع دنیایی، راستی و درستی و ایمان داشتن، نوع دوستی، مهربانی و همدلی است.

دنیا چو اسم خویش بود پست و بی‌بها گر بنگری به دیده که پاکش کنی به دم
(همان: ۸۱)
ای نفس چو سگ تا به کی پی جیفه ورنج و تعب چو مردان ثقیفه
(همان: ۱۱۶)
ای نفس فرومایه که در عالم امکان جز کار نکوهیده نبینم ز تو حاصل
(همان: ۲۲۵)
ای زبر دست قوی بازوی رحمی بر ضعیف نسبت با زیر دستان کوه و کاه و احتمال
(همان: ۲۳۰)
آدمی را آدمیت فرق با حیوان بود کاین شده حیوان و آن انسان با علم و کمال
(همان: ۲۳۰)

در بیت زیر تلمیح به آیه «تُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَ تُضِلُّ مَنْ تَشَاءُ» دارد اما با تفسیری که خود شاعر از این آیه ارائه میدهد گویی بر خوردی بینامتنی با آن داشته است:

بیافرید یکی را ز آب و گل بس زشت به دیگری همه حُسن قد خرامان داد
(همان: ۱۷۸)

توجه او به تلمیحات ایرانی و ملی و باستانی حکایت از گفتمان ایرانی او دارد و نشان میدهد که به لحاظ فکری به این سو نیز توجه داشته است:

سهراب سان به عرصه حیرت در آمدم حسن رخ نگار به من رستمی کند
(همان: ۲۳)
مرد را هوش و خرد در گیتی مردم شکار فی المثل چون قصه ضحاک و ماران آمده
(همان: ۱۴۳)
کی برد جان دشمن از دستت گر فی المثل رستم دستان و یا سام نریمان آمده
(همان: ۱۴۸)

تلمیح به داستان مزدک در دیوان مطلع تلمیحی نو است که کمتر دیده شده است:

از بدعتت خجل شده مزدک ز بدعتش وز بدعت تو بدعت مزدک زیاد شد
(همان: ۱۸۱)

تلمیح به اساطیر ایران:

مرد را هوش و خرد در گیتی مردم شکار فی المثل چون قصه ضحاک و ماران آمده
(همان: ۱۴۳)

تلمیح به داستان تاریخی و سامی:

من شدم پویان چو موسی بر زبان آنست نار ره سپر گویا اسکندر آب حیوان خواستی
(همان: ۱۵۰)

این تلمیح نشان می‌دهد که وی با ادبیات سبک خراسانی آشناست.

ز افسانه عشقم «بجهان» ای بت غماز بی‌نام و نشان قصه محمود و ایاز است
(همان: ۱۹)

تلمیح به داستانهای تاریخی و باستانی ایران:

منفعل از جود او ابر بهار شرمسار از عدل او نوشیروان
(همان: ۱۴۳)

نتیجه‌گیری:

مطلع مازندرانی، از شاعران قرن سیزدهم هجری قمری است، با توجه به آنچه از اشعارش بر می‌آید، مطلع در دوره قاجار و در روزگار پادشاهی ناصرالدین شاه زندگی می‌کرده است، وی اهل مازندران بوده و مطلع تخلص می‌کرد. ابیاتش برآیند آن است که وی به زبان عربی، علوم قرآنی، ادبی، بلاغی، تاریخی و اجتماعی تسلط داشته است. اشاره به برخی مسایل سیاسی، نشان از نگاه نقادانه وی به اوضاع اجتماعی دارد. شیوه و طرز شعر مطلع مازندرانی، تقریباً همان شیوه شاعران بازگشت است که در قصیده تأثیرپذیریش از خاقانی شروانی و در غزل هم از غزلسرایان قرن هفتم و هشتم آشکار است. تأثیر مصنوع‌سریان در قصایدش که آراسته به آیات، احادیث، لغات فقهی، کلامی، عرفانی و ... اطناب و کاربرد مترادفها و واژگان عربی، است؛ به وضوح دیده می‌شود.

در پژوهش حاضر دیوان مطلع مورد بررسی قرار گرفت، این مجموعه شعری شامل چهارصد و هجده قصیده، صد غزل، دوازده قطعه، پنج ترکیب بند، چهار ترجیع بند و یک رباعی می‌باشد. برخی از ابیات نیز به علت رطوبت و کهنگی مخدوش شده و قابل خواندن نیست. سبک مطلع ساده و تک لایه است و از سطح واژگان، نقبی به درون نمی‌زند. دیوان مطلع، در سه قلمرو زبانی، فکری و ادبی، قابل بررسی است.

در کاربرد زبان گاهی شاعران و نویسندگان به کاربردی خاص از زبان معیار توجه می‌کنند که این کاربرد خاص برای آنان ویژگی سبکی پیدا می‌کند و در اصطلاح می‌گوییم این مختصات زبانی در زبان این شاعر سبک آفرین و سبک ساز است. تصاویر مطلع نیز به علت تقلید از تجربه‌های حسی دیگران، ایستا و ثابت است، با اینکه او در خطه مازندران اقامت داشته و زیباییهایی طبیعت را دیده و حس کرده، اما تصاویرش در چهارچوب تصاویر شاعران گذشته محدود شده است.

دیوان مطلع، در سطح زبانی ویژگیهایی مانند ابدال، ممال، اسم صوت، تخفیف لغات، واژگان کهن، عربی، سپاهی و... را داراست. همچنین، سطح زبانی دیوان مطلع مازندرانی را میتوان در سطوح کوچکتری با عناوین سطح آوایی مورد بررسی قرار داد. در سطح آوایی شاعر با استفاده از وزنهایی که مناسب موضوع است فضای احساسی شعر را پرورش داده، تأثیرگذاری آن را بالا می‌برد. هرچقدر وزن و ساختارهای صامت و مصوت هماهنگتر با محتوای کلام باشد، اشعار به لحاظ عاطفی و ادراکی ارزشمندتر خواهند بود.

در قلمرو فکری، شعر مطلع نشان از درونگرایی دارد، وی شاعری شیعه مذهب با نگاهی از عرفان اسلامی است و به

این دلیل ابیاتش صیغه مذهبی دارد، به اسطوره‌های عشقی ایرانی نظر دارد، کاربرد واژگان سپاهی در اشعارش بسیار است، باورهای عامیانه و ابیاتی در شکایت و گله از روزگار در اشعارش دیده میشود. در قلمرو ادبی به علوم بدیع و بیان به خصوص تلمیح و تشبیهات حسی نظر دارد و اغلب تصاویرش، کلیشه‌ای و همان است که پیشینیان، به کار برده‌اند. مطلع در غزلیاتش بیشتر گرایش به کاربرد اوزان بلند داشته است و آهنگهای کلام او معتدل است، وی در حدود ۲۰۰ شعر در قالبهای (غزل، قصیده، قطعه، ترکیب‌بند، ترجیع‌بند، دوبیتی و رباعی) ۵۷ شعر از وزنهای کوتاه که ضربی و تند و پر حرکت استفاده نموده است. این بحرها به ندرت سالم و بیشتر مزاحف و بصورت مثنی است. پرکاربردترین بحر در دیوان او بترتیب بحر هزج، رمل و مضارع است. استعمال قافیه‌های ساده و به دور از تکلف از مهارت و دقت این شاعر در آفرینش سروده‌هایش خبر میدهد. کلمات قافیه در عین سادگی، دارای بیشترین اشتراکات واجی هستند و با وجود تفاوت، قرابت و شباهتی را در قالب آهنگ یکنواخت و موزون در ذهن تداعی میکنند که باعث گوش‌نوازی و غنای موسیقی نیز میشوند.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خلخال استخراج شده است. آقای دکتر نصرالله زیرک گوشلوندانی راهنمایی این رساله را برعهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. سرکار خانم لاله قربانی مرزدشتی بعنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. آقای دکتر شهریار حسن‌زاده و سرکار خانم دکتر زهره سرمد و آقای دکتر ابوالفضل مرادی به عنوان مشاوران نیز در تجزیه و تحلیل داده‌ها و راهنماییهای تخصصی این پژوهش نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر پنج پژوهشگر بوده است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان مقاله بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از نشریه وزین «بهار ادب» اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

- Ghoran Karim.
Ibn Arabi, Muhiyeddin. (1975). Al-Futuhat al-Makiyya. Cahere.: research and presentation of Osman Yahya.
Mallah, Hossein Ali. (1979). Linking music and poetry. Tehran: Faza.
Jamali, Shahrouz. (2004). Repetition of the musical basis of poetry. Cultural universe, vol. 216, pp. 60-66.
Khalili Jahantigh, Maryam. (2001). Sib Bagh Jan. Tehran: Sokhn.
Dad, Sima (1378). Dictionary of literary terms. Tehran: Morvarid.

- Radovyani, Mohammad bin Omar. (1949). Interpreter of Balagha. Corrected by Ahmed Atesh. Istanbul: Ibrahim Khoros.
- Rajai Bokharai, Ahmad Ali. (1985). A collection of Hafez's poems. Tehran: Zovar.
- Shamisa, Cyrus. (1994). Generalities of stylistics. 2nd edition, Tehran: Ferdowsi, pp. 156-155.
- Shamisa, Cyrus. (1989). A fresh look at the original. 10nd edition, Tehran: Ferdous.
- Shafii Kodkani, Mohammad Reza. (1975). Varieties and Persian poetry, Khord and Sorah magazine. Shiraz University, second and third books, pp. 119-96.
- Shafii Kodkani, Mohammad Reza. (2004), Imaginary images in Persian poetry. Tehran: Aghah.
- Safa, Zabih Allah. (1999). History of Iranian literature. Five Volume. Tehran: Ferdous.
- Alavi Moghadam, Mohammad, Ashrafzadeh, Reza. (2006), meanings and expressions. Tehran: Samt.
- Motman, Zain al-Abidin. (1985). Persian poetry and literature. Tehran: Zarin.
- Manuscript of Diwan Taherir Mazandarani
- Homai, Jalaluddin. (2003). Rhetoric techniques and literary industries. Tehran: Homa.
- Vaaz Kashifi Sabzevari, Kamaluddin Hossein. (1990). Innovations in the art of poetry. Edited by Mir Jalaluddin Kazazi. Tejrnan: Markaz./

فهرست منابع فارسی

قرآن کریم.

- ابن عربی، محی‌الدین. (۱۹۷۵ م). الفتوحات المکیه. قاهره: تحقیق و تقدیم عثمان یحیی.
- ملاح، حسینعلی. (۱۳۵۸). پیوند موسیقی و شعر. چاپ اول. تهران: فضا.
- جمالی، شهروز. (۱۳۸۳). تکرار اساس موسیقی شعر. کیهان فرهنگی، ش ۲۱۶، صص ۶۰-۶۶.
- خلیلی جهانتیغ، مریم. (۱۳۸۰). سیب باغ جان. تهران: سخن.
- داد، سیما. (۱۳۷۸). فرهنگ اصطلاحات ادبی. تهران: مروارید.
- رادویانی، محمد بن عمر. (۱۹۴۹). ترجمان البلاغه. تصحیح احمد آتش. استانبول: ابراهیم خروس.
- رجایی بخارایی، احمد علی. (۱۳۶۴). فرهنگ اشعار حافظ. تهران: زوار.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۳). کلیات سبک‌شناسی. چاپ ۲، تهران: فردوسی، صص ۱۵۶-۱۵۵.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۶۸). نگاهی تازه به بدیع. چاپ دهم. تهران: فردوسی.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۵۴). انواع و شعر فارسی، مجله خرد و کوشش. دانشگاه شیراز، دفتر دوم و سوم، صص ۹۶-۱۱۹.
- شفیعی کدکنی، محمد رضا. (۱۳۸۳).،، صور خیال در شعر فارسی. تهران: آگاه.
- صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۷۸). تاریخ ادبیات ایران. ج ۵. تهران: فردوسی.
- علوی مقدم، محمد، اشرف زاده، رضا. (۱۳۸۶)، معانی و بیان. تهران: سمت.
- مؤتمن، زین العابدین. (۱۳۶۴). شعر و ادب فارسی. تهران: زرین.

نسخه خطی دیوان مطلع مازندرانی.
همایی، جلال الدین. (۱۳۸۲). فنون بلاغت و صناعات ادبی. تهران: هما.
واعظ کاشفی سبزواری، کمال الدین حسین. (۱۳۶۹). بدایع الافکار فی صنایع الاشعار. ویراسته میر جلال الدین کزازی. چاپ اول. تهران: مرکز.

معرفی نویسندگان

لاله قربانی مرزdashti: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد خلخال، دانشگاه آزاد اسلامی، خلخال، ایران.

(Email: ghorbanilaleh51@gmail.com)

نصرالله زیرک گوشلوندانی: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران.
(نویسنده مسئول: Email: zirak@iaurasht.ac.ir)

شهریار حسنزاده: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد خوی، دانشگاه آزاد اسلامی، خوی، ایران.
(Email: hasanzadeh@iaukhoy.ac.ir)

زهره سرماد: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

(Email: Zohreh_sarmad1@iausr.ac.ir)

ابوالفضل مرادی رستا: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.
(Email: Dr.amoradirasta@cfu.ac.ir)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

Introducing the authors

Laleh Ghorbani Marzdashti: PhD student, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Khalkhal Branch, Islamic Azad University, Khalkhal, Iran.

(Email: ghorbanilaleh51@gmail.com)

Nasrullah Zirak Goshlondani: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Rasht Branch, Islamic Azad University, Rasht, Iran.

(Email: zirak@iaurasht.ac.ir: Responsible author)

Shahryar Hassanzadeh: Assistant Professor of the Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Khoi Branch, Islamic Azad University, Khoi, Iran.

(Email: hasanzadeh@iaukhoy.ac.ir)

Zohra Sarmad: Assistant Professor of the Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Yadgar Imam Khomeini (Rah) Shahrari, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

(Email: Zohreh_sarmad1@iausr.ac.ir)

Abolfazl Moradi Rasta: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Farhangian University, Tehran, Iran.

(Email: Dr.amoradirasta@cfu.ac.ir)